

Oil futures contracts, obligation to selling or to daily settlement?

Mahdi Sadeghi Shahdani¹, Seyed Mahdi Pakzat^{2*}

1- Associate Professor, Department of Energy Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran
sadeghi@isu.ac.ir

2- Phd. Student of management of international oil and gas contracts, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
pakzat@isu.ac.ir

Abstract

Oil futures contracts make it possible for all market participants to remain safe against the crude oil price fluctuations. Islamic Republic of Iran needs to import oil futures contracts to energy exchange for two reasons: First, its national income is highly dependent on crude oil price and instability in oil price leads to unstable economic situation. Second, Oil futures markets provide necessary instruments to reduce risk of oil deals, reduce volatility, increase flexibility and provide broader commercial dimensions to refiners and other buyers of petroleum and related industries. But now, exchange energy, due to jurisprudential constraints, is not able to use this powerful instrument of hedging risk, and this is incompatible with the implementation of economic resistance and resilience policies. This study analyzes financial nature of oil futures contracts and investigates the intend of the parties to the contract and shows that oil futures contracts are not, in any way, type of selling or obligation to selling because the acquisition and consequently delivery of asset are not intended by parties. Therefore, all of those jurisprudential obstacles are wrong about these contracts and are caused by the poor in recognizing the issue.

Keywords: Oil futures contracts, futures contracts, derivatives, risk management.

قراردادهای آتی نفت، تعهد به بیع یا تعهد به انتقال روزانه وجه تضمین؟^۱

مهدی صادقی شاهدانی^۱، سید مهدی پاکذات^{۲*}

۱- دانشیار گروه اقتصاد انرژی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

sadeghi@isu.ac.ir

۲- دانشجویی دکتری مدیریت قراردادهای بین المللی نفت و گاز، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

pakzat@isu.ac.ir

چکیده

قراردادهای آتی نفت این امکان را برای کلیه مشارکت کنندگان بازار فراهم می کند تا از نوسانهای قیمتی نفت خام مصون بمانند. جمهوری اسلامی ایران به دو دلیل به ورود قراردادهای آتی نفت به بورس انرژی نیاز مبرم دارد: اولاً، درآمد کشور وابستگی شدیدی به قیمت نفت دارد و بی ثباتی قیمت نفت به ناپایداری وضعیت اقتصادی منجر می شود. دوماً، بازارهای آتی نفت، ابزارهای لازم را برای کاهش ریسک معاملات نفتی، کاهش بی ثباتی، افزایش انعطاف پذیری و فراهم کردن ابعاد وسیع تر تجاری برای پالایشگران و سایر خریداران نفت و صنایع وابسته آن فراهم می کند؛ اما در حال حاضر، بورس انرژی، به دلیل موانع شرعی، از این ابزار قدرتمند پوشش ریسک نمی تواند استفاده کند و این مسأله با اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی منافات دارد. این پژوهش با واکاوی ماهیت مالی قرارداد آتی نفت و با بررسی متعلق اصلی اراده دو طرف قرارداد نشان می دهد قراردادهای آتی به هیچ وجه از سنخ بیع نیست؛ زیرا تملیک و تحویل دارایی، مقصود معامله گران نیست؛ بنابراین شبهات شرعی مطرح شده از اساس با این قراردادها برخورد نمی کند و طرح آنها ناشی از ضعف در موضوع شناسی بوده است.

واژه های کلیدی: ابزارهای مشتقه، قراردادهای آتی، قراردادهای آتی نفت، مدیریت ریسک.

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته مدیریت قراردادهای بین المللی نفت و گاز در دانشگاه امام صادق (ع) است.

مقدمه

حاضر، بورس انرژی، به دلیل موانع شرعی، از این ابزار قدرتمند پوشش ریسک نمی‌تواند استفاده کند. این پژوهش با واکاوی ماهیت مالی قرارداد آتی نفت، راه را برای تحلیل فقهی صحیح هموار می‌کند و نشان می‌دهد شبهات فقهی وارد شده بر این قرارداد، همگی ناشی از ضعف در موضوع‌شناسی بوده است.

مبانی نظری پژوهش

قرارداد آتی، قراردادی است که دارنده آن متعهد می‌شود دارایی موضوع قرارداد یعنی دارایی پایه را که کالا یا ارز یا اوراق بهادار است، در تاریخ مشخصی در آتی بخرد یا بفروشد. وقتی شخصی در قرارداد آتی به خرید دارایی پایه اقدام کند، در اصطلاح گفته می‌شود «موقعیت تعهدی خرید» دارد و وقتی شخصی در قرارداد آتی به فروش دارایی پایه اقدام کند، در اصطلاح گفته می‌شود «موقعیت تعهدی فروش»^۵ دارد [۸]. بورس در این قرارداد، کمیت، کیفیت، زمان و مکان تحویل دارایی را مشخص کرده است. مقادیر استاندارد قابل معامله برای هر نوع دارایی در بورس متفاوت است؛ مثلاً، «اندازه قرارداد» نفت خام در بورس‌های نفت به معنی ۱۰۰۰ بشکه نفت خام است (به اندازه قرارداد در بورس، Lot نیز گفته می‌شود). تمام خصوصیات کمی و کیفی این قراردادها به جز قیمت یکسان است که آن نیز در فضای رقابتی بورس مشخص می‌شود. علت استاندارد کردن قراردادها در

قرارداد آتی که یکی از انواع مشتقات مالی است، صورت کامل‌شده قرارداد سلف است و فقط در بورس‌های رسمی معامله می‌شود. مهم‌ترین کارکرد این ابزار جدید مالی، پوشش ریسک نوسان‌های قیمت دارایی‌های مختلف است. قراردادهای آتی نفت این امکان را برای کلیه مشارکت‌کنندگان بازار فراهم می‌کند تا از نوسان‌های قیمتی نفت خام مصون بمانند. جمهوری اسلامی ایران به دو دلیل به ورود قراردادهای آتی نفت به بورس انرژی نیاز مبرم دارد: اولاً، درآمد کشور، وابستگی شدیدی به قیمت نفت دارد و بی‌ثباتی قیمت نفت به ناپایداری وضعیت اقتصادی منجر می‌شود؛ به‌ویژه اینکه مدتی است امریکا به دنبال آن است که با استفاده از اهرم قیمت نفت، فشارها را بر کشور افزایش دهد. دوماً، بازارهای آتی نفت برای ایجاد وسیله‌ای برای کاهش ریسک معاملات نفتی، کاهش بی‌ثباتی، افزایش انعطاف‌پذیری و فراهم کردن ابعاد وسیع‌تر تجاری برای نفت و صنایع وابسته آن به وجود آمده است و ابزارهای لازم را برای مبادله میان تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، پالایشگران و دلالان فراهم می‌کند. در این بازارها، تضمین لازم و کافی برای اجرای عملیات و بیمه برای جلوگیری از ضرر و خطر ورشکستگی فراهم می‌شود و ریسک ناشی از نوسان‌های قیمت در این بازارها از بین می‌رود؛ بنابراین در راستای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ضرورت دارد از ابزارهایی استفاده شود که کشور را در برابر کاهش قیمت نفت بیمه می‌کند؛ اما در حال

۴ Long Position

۵ Short Position

۶ Contract Size

۱ Futures Contract

۲ Financial Derivatives

۳ Forward Contract

پایاپای متعهد هستند نه در مقابل یکدیگر؛ زیرا اتاق پایاپای، ریسک خریدار را برای فروشنده و ریسک فروشنده را برای خریدار بر عهده می‌گیرد و متعهد می‌شود دارایی را به کسی تحویل دهد که موقعیت تعهدی خرید دارد و قیمت را به کسی پردازد که موقعیت تعهدی فروش دارد؛ از این‌رو، معامله‌گران در بازار آتی با اطمینان بیشتری معامله می‌کنند و بدون توجه به وضعیت اعتباری طرف مقابل، قرارداد آتی را خرید و فروش می‌کنند [۸].

تنها ریسکی که اتاق پایاپای با آن روبه‌رو است، نکول (پیمان‌شکنی) یکی از دو طرف معامله است؛ از این‌رو، معامله‌گران در بازار آتی علاوه بر کارمزدی که به اتاق می‌پردازند، موظف هستند یک «وجه تضمین»^۲ در «حساب عملیاتی»^۳ (حساب بانکی مشتری که اتاق پایاپای برای تسویه وجوه استفاده می‌کند) نزد بورس بگذارند؛ زیرا احتمال نکول برای هر دو طرف قرارداد آتی وجود دارد و هر دو باید وجه تضمین داشته باشند. سعی بر این است که مبلغ این وجه تضمین به‌صورت غیرمنطقی زیاد نباشد؛ زیرا تجربه نشان داده است افزایش مبلغ وجه تضمین موجب کاهش معاملات در بازار آتی است. وجه تضمین خود بر سه نوع است:

۱- وجه تضمین اولیه: وجهی است که برای تضمین ایفای تعهدات مشتریان برای ایجاد یک موقعیت تعهدی اخذ می‌شود. میزان این وجه در مشخصات هر قرارداد آتی تعیین می‌شود. میزان وجه تضمین اولیه که اتاق پایاپای تعیین می‌کند، تابعی از نوسان قیمت دارایی موضوع قرارداد است. با توجه به

بازار آتی این است که آنها را بتوان با یکدیگر معامله کرد.

یکی از مسائل مهمی که دربارهٔ قراردادهای آتی وجود دارد، بی‌اطمینانی از اجرای تعهد توسط دو طرف معامله است. برای رسیدن به این اطمینان که قرارداد آتی حتماً در سررسید معامله می‌شود، «اتاق پایاپای»^۱ طراحی شده است. وظیفهٔ این اتاق، تضمین تعهدات دو طرف معامله است. این اتاق وظیفهٔ تسویه و پایاپای قرارداد آتی را نیز بر عهده دارد که در مبحث وجه تضمین به آن اشاره خواهد شد. اتاق پایاپای یا در خود بورس قرار دارد یا سازمانی مالی در خارج از بورس است که در ارتباط با فعالیت‌های بورس عمل می‌کند. روال کار این اتاق بدین صورت است که وقتی معامله‌گران به‌عنوان خریدار و فروشنده، معاملهٔ آتی انجام دادند، جزئیات این معامله در سیستم ثبت معاملات بورس وارد می‌شود. از این به بعد، اتاق پایاپای وارد عمل می‌شود و نقش خریدار را برای فروشنده و نقش فروشنده را برای خریدار بر عهده می‌گیرد. در واقع، بعد از ثبت معامله در سیستم ثبت معاملات، اتاق پایاپای متعهد می‌شود به خریدار آتی در تاریخ تحویل، دارایی مدنظر را تحویل دهد و دارایی را در تاریخ تحویل از فروشنده مطالبه کند. اتاق پایاپای به‌طور مستقل، در مقام خریدار یا فروشنده عمل نمی‌کند؛ بلکه به جای اینکه خریدار و فروشندهٔ قرارداد آتی با یکدیگر روبه‌رو شوند، اتاق در مقابل خریدار و فروشنده‌ای که معامله‌ای را انجام داده‌اند، به ترتیب، نقش فروشنده و خریدار را بر عهده می‌گیرد؛ بنابراین معامله‌گران در بازار آتی درنهایت، در مقابل اتاق

^۲ Margin

^۳ Margin Account

^۴ Initial Margin

^۱ Legitimacy

سابقه تاریخی نوسان‌های قیمت، میزان وجه تضمین اولیه که در بورس‌های مختلف در عمل، درخواست شده است از حدود ۱/۱ درصد تا ۱۰ درصد قیمت دارایی پایه قرارداد آتی تغییر کرده است. علت کم بودن وجه تضمین اولیه آن است که ساز و کار دیگری به نام عملیات «به‌روزرسانی حساب‌ها» وجود دارد که مبتنی بر دو نوع وجه تضمین بعدی است.

۲- حداقل وجه تضمین^۱: حداقلی از سطح

وجه تضمین است که برای هر «موقعیت تعهدی باز»^۲ (موقعیت تعهدی که در بازار معاملات آتی، تصفیه نهایی نشده است) باید موجود باشد. حداقل مذکور در مشخصات هر قرارداد آتی تعیین می‌شود. هر زمان که مانده وجه تضمین از حداقل وجه تضمین کمتر شود، بلافاصله اتاق پایاپای «اخطاریه افزایش وجه تضمین»^۳ را برای معامله‌گر مربوط ارسال می‌کند و معامله‌گر ملزم می‌شود وجه تضمین را تا سطح وجه تضمین اولیه افزایش دهد.

۳- وجه تضمین جبرانی^۴: وجه تضمینی است

که مشتریان بعد از دریافت اخطاریه افزایش وجه تضمین، باید نزد اتاق پایاپای تودیع کنند. وجه تضمین جبرانی مابه‌التفاوت مانده وجه تضمین و سطح وجه تضمین اولیه است. در صورتی که این مبلغ پرداخت نشود، موقعیت تعهدی معامله‌گر در بورس فوراً مسدود می‌شود.

«عملیات به‌روزرسانی حساب‌ها»^۵ را در قالب مثال زیر توضیح می‌دهیم:

در روز پنجم ماه می، یک قرارداد آتی نفت خام برنت تحویل دسامبر با قیمت هر بشکه ۶۰ دلار در بورس بین‌المللی نفت لندن منعقد می‌شود (اندازه قرارداد آتی نفت، ۱۰۰۰ بشکه است). فرض کنید وجه تضمین اولیه لازم، ۵۰۰۰ دلار (برای یک قرارداد) و حداقل وجه تضمین ۳۵۰۰ دلار باشد. اگر قیمت آتی در پایان روز پنجم می به ۶۱ دلار افزایش یابد، زمانی که تصفیه حساب روزانه انجام می‌شود، ۱۰۰۰ دلار (به اندازه تغییر قیمت ضرب در تعداد بشکه‌ها) از حساب عملیاتی فروشنده به حساب عملیاتی خریدار منتقل می‌شود؛ بنابراین وجه تضمین فروشنده به ۴۰۰۰ دلار و وجه تضمین خریدار به ۶۰۰۰ دلار می‌رسد (خریدار، مبلغ مازاد بر وجه تضمین اولیه را از حسابش می‌تواند برداشت کند). اگر قیمت آتی در پایان روز ششم می به ۶۲ دلار افزایش یابد، ۱۰۰۰ دلار دیگر (به اندازه تغییر قیمت نسبت قیمت پایانی روز قبل ضرب در تعداد بشکه‌ها) از حساب عملیاتی فروشنده به حساب عملیاتی خریدار منتقل می‌شود؛ بنابراین وجه تضمین فروشنده به ۳۰۰۰ دلار و وجه تضمین خریدار (اگر از حسابش برداشت نکرده باشد) به ۷۰۰۰ دلار می‌رسد. در اینجا، وجه تضمین فروشنده از حداقل وجه تضمین کمتر می‌شود. در این حالت، بورس در اخطاریه‌ای به فروشنده دستور می‌دهد میزان ۲۰۰۰ دلار به‌عنوان وجه تضمین جبرانی به حساب عملیاتی خود نزد اتاق پایاپای واریز کند تا وجه تضمین او دوباره به سطح ۵۰۰۰ دلار برسد. اگر قیمت آتی در پایان روز هفت می به ۵۹ دلار کاهش یابد، ۳۰۰۰ دلار از حساب عملیاتی خریدار به حساب عملیاتی فروشنده منتقل می‌شود؛ بنابراین وجه تضمین فروشنده به ۸۰۰۰ دلار می‌رسد (فروشنده، مبلغ مازاد بر وجه تضمین اولیه را از حسابش می‌تواند

^۱ Maintenance Margin

^۲ Open Interest (OI)

^۳ Margin Call

^۴ Variation Margin

^۵ Marking to Market

سررسید در موقعیت خود باقی بمانند و در تاریخ سررسید با هم «تسویۀ نقدی» کرده یا دارایی پایه را با یکدیگر مبادله کنند. معامله‌گری که موقعیت تعهدی خرید دارد، اگر موقعیت خود را تا سررسید همچنان حفظ کند و در پایان نیز تصفیۀ نقدی نکند، باید دارایی پایه را به قیمت تسویه در آخرین روز معاملاتی تحویل بگیرد و معامله‌گری که موقعیت تعهدی فروش دارد، اگر موقعیت خود را تا سررسید همچنان حفظ کند و در پایان نیز تسویۀ نقدی نکند، باید دارایی پایه را به همان قیمت تحویل بدهد؛ البته گاهی اوقات، دو طرف در نهایت، از روش مبادله آتی با کالا استفاده می‌کنند.

در زمینه تبیین ماهیت مالی قراردادهای آتی، کتاب‌های بسیار زیادی نوشته شده است. از آنجا که برای موضوع‌شناسی تحلیل فقهی باید به زوایای خاصی از ماهیت مالی این قراردادها توجه کرد، در این قسمت، پژوهش‌های انجام‌شده درباره تحلیل فقهی قراردادهای آتی ذکر می‌شود که عمده آنها عبارت است از:

صورت‌جلسات مجمع الفقه الاسلامی (۱۴۱۲ ق) که مجموعه‌ای از مؤلفان در جلد اول از عدد هفتم مجله مجمع الفقه الاسلامی گردآوری کرده‌اند. این صورت‌جلسات، انعکاس خوبی از نظرات و فتوهای علمای اهل سنت درباره معاملات آتی (العقود المستقبلیات) است؛ از جمله در این مجموعه، علی محی الدین القره داغی، قراردادهای آتی را غالباً سبب اضرار به یکی از دو طرف و مصداق بیع معدوم و در نتیجه، باطل می‌داند. وی همچنین اظهار می‌کند که در این قراردادها، رایحه قمار وجود دارد. قاضی محمدتقی العثماني نیز بیان می‌کند قراردادهای آتی هیچ غرض مشروعی ندارد.

برداشت‌کنند) و وجه تضمین خریدار به ۴۰۰۰ دلار می‌رسد (خریدار فعلاً احتیاجی به وجه تضمین جبرانی ندارد؛ زیرا هنوز وجه تضمینش از حداقل وجه تضمین بیشتر است). این عملیات تا آخرین روز معاملاتی انجام می‌شود. افزایش قیمت آتی در پایان روز نسبت به روز قبل، به نفع خریدار است؛ زیرا دقیقاً به همان میزان افزایش قیمت، از حساب عملیاتی فروشنده به حساب عملیاتی خریدار منتقل می‌شود و این مبلغ در واقع، سود روزانه خریدار و زیان روزانه فروشنده است. برعکس، کاهش قیمت آتی در پایان روز نسبت به روز قبل، به نفع فروشنده است؛ زیرا دقیقاً به همان میزان کاهش، از حساب عملیاتی خریدار به حساب عملیاتی فروشنده منتقل می‌شود و این مبلغ در واقع، سود روزانه فروشنده و زیان روزانه خریدار است. به این جریان مستمر محاسبه سود و زیان روزانه در اصطلاح، عملیات «به‌روزرسانی حساب‌ها» یا «تصفیه حساب روزانه» گفته می‌شود. سود یا زیان کل، از مجموع این قرارداد، برای هر معامله‌گر برابر است با برابری سود و زیان‌های روزانه از اولین روزی که وارد قرارداد می‌شود تا آخرین روزی که در قرارداد باقی می‌ماند؛ یعنی برابر است با اختلاف قیمت آتی در روزی که وارد قرارداد می‌شود با روزی که از بازار خارج می‌شود [۱۵].

شاید بتوان گفت مهم‌ترین تمایز بین قرارداد سلف و قرارداد آتی همین عملیات است و تعبیه چنین ساز و کاری در قرارداد آتی در بسیاری موارد موجب می‌شود ماهیت این قرارداد در نهایت، از عنوان بیع خارج شود. دو طرف قرارداد آتی پس از انعقاد قرارداد، می‌توانند قرارداد را به دیگری واگذار کنند و یا تا

فهیم خان (۲۰۰۰) در مقاله خود با عنوان «آتی‌های اسلامی و بازارهای آنها، با تأکید بر نقش آنها در توسعه بازار مالی روستایی» معتقد است قراردادهای آتی کنونی، هدف بازتوزیع ریسک را به خوبی انجام نمی‌دهد و به کشاورزان و تولیدکنندگان واقعی کمکی نمی‌کند؛ بلکه به دلیل ماهیت اقتصاد سرمایه‌داری فقط فضایی برای سودجویی‌های سفته‌بازانه فراهم می‌کند. وی به عنوان شاهدی بر ادعای خود این واقعیت را برجسته می‌کند که ۹۹ درصد معاملات آتی قبل از سررسید بسته می‌شود. وی معتقد است شکل اسلامی قراردادهای آتی همان قرارداد سلم است که با وجود اینکه از ۱۴۰۰ سال پیش استفاده می‌شده است، برتری‌های زیادی بر قرارداد آتی دارد (البته او قرارداد جعاله را نیز برای این هدف مفید می‌داند). او می‌نویسد ارکان مهم و مفید قرارداد آتی مانند مقدار و کیفیت مشخص و بازه زمانی تعیین شده در بیع سلم نیز موجود است؛ ولی در فرایند حرکت از بازارهای سلف به سوی بازارهای آتی فقط عناصر غیراسلامی برجسته می‌شود. عصمت پاشا، ابزارهای مالی مشتقه و آرای عالمان اسلامی (اهل سنت) را درباره این ابزار بررسی می‌کند. وی معتقد است درباره اعتبار و مطلوب بودن این ابزارها، اتفاق نظر کاملی بین علما وجود ندارد. عمده کار اندیشه‌وران اسلامی در حوزه حقوقی مسأله بوده است. آنان ابزار مشتقه را صرفاً از دیدگاه «قرارداد» بررسی و تجزیه و تحلیل می‌کنند و کمتر به این نکته توجه می‌کنند که چرا ابزارهای مشتقه، امروزه همچون قراردادهای آتی و حق اختیار معامله در دنیای تجارت مدرن ضرورت دارد. وی علت پدید آمدن این ابزارها و منافع آنها را تجزیه و تحلیل و در پایان، نظر گروهی از علمای اهل سنت را ذکر می‌کند.

حسینی چالشتری (۱۳۷۶) قراردادهای آتی را معرفی کرده است. او آنها را با عنوان بیع مؤجل، جعاله و صلح با عنوان عقود معین و تعهد به بیع از عقود نامعین قابل تصحیح دانسته است و براساس فرضیه‌های دیگر مانند اینکه آنها را بیع سلف بدانیم، به بطلان آن حکم کرده است.

بت‌شکن (۱۳۷۷) ضمن تحلیل مقایسه‌ای بازارهای مالی و بورس‌های مشتقه در دنیا، بازار سرمایه ایران را معرفی می‌کند. وی سرانجام در جستجوی یافتن ماهیت قرارداد مشابهی با قراردادهای آتی در نظام حقوقی اسلام، قراردادهای بیع و جعاله و صلح را بررسی و قرارداد آتی را در این قالب‌ها شرعی‌سازی می‌کند.

صالح آبادی (۱۳۸۱) این قراردادها را نزدیک به قمار و در نتیجه، باطل دانسته است.

آرام (۱۳۸۲) پس از معرفی معاملات آتی، تحلیل فقهی اجمالی‌ای درباره بیع کالی به کالی و معاملات غرری ارائه می‌کند. وی پس از امکان‌سنجی مالی و اقتصادی استفاده از معاملات آتی نفت در جمهوری اسلامی ایران و بیان مزایای این ابزارهای جدید مالی، به کارگیری آنها را در بورس ایران تجویز می‌کند.

رضایی (۱۳۸۲) بیان می‌کند راه‌هایی برای صحت قرارداد آتی در بازار اولیه وجود دارد و برای تصحیح آن در بازار ثانویه یا معامله دین به دین را باید صحیح دانست (که مخالف نظر مشهور فقها است) یا قرارداد آتی، نباید عقد نباشد و فقط تعهد به انجام عقد در زمان آتی وجود داشته باشد.

غنیمی فرد و آرام بنیار (۱۳۸۴) با مقایسه‌ای تطبیقی نشان دادند بیع کالی به کالی با قرارداد آتی متفاوت است؛ یعنی ویژگی‌ها و ساز و کار معاملات در این دو متفاوت است. با توجه به بطلان بیع کالی به کالی و

بیان و راه کارهایی برای اجرایی شدن آن در بورس کالای ایران ارائه می کند.

حسینی (۱۳۸۶) اوراق مشتقه به ویژه، قراردادهای اختیار معامله و آتی را بررسی کرده است و ضمن معرفی و برشمردن مزایا و معایب استفاده از آنها، آنها را ارزیابی فقهی می کند. حسینی در رساله خود ابتدا، فعالیت های قماربازانه و سفته بازانه را از هم تفکیک می کند؛ سپس درباره مشروعیت درآمد ناشی از پذیرش ریسک سخن می گوید و بعد از اثبات این امر، این قراردادها را از منظر اسلام و تطبیق شرایط عمومی و مشترک قراردادها و شرایط دو عوض با این دو قرارداد بررسی می کند و آنها را در حالت های خاصی مشروع می داند.

در مشروح مذاکرات و صورت جلسات (مصوبات) کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۸۶) این نتیجه به دست آمد که قالب حقوقی این قراردادها، بیع است؛ بنابراین مشکل بیع کالی به کالی دارد و سرانجام برای گریز از این شبهه پیشنهاد شد، قرارداد در قالب تعهد به بیع منعقد می شود؛ یعنی به جای آنکه دو طرف هنگام انعقاد قرارداد، خرید و فروشی انجام دهند که تحویل ثمن و مثن در آینده انجام شود، قرارداد به گونه ای تنظیم می شود که دو طرف متعهد شوند بیع را در سررسید انجام دهند و همان موقع تحویل انجام شود. علاوه بر این، بیان شد تعهد در مقابل تعهد یک قرارداد جدید است که با تمسک به عموماتی چون «أوفوا بالعقود» استنباط می شود که این قرارداد یک عقد لازم است و از آنجا که مصداقی برای منهیات باب معاملات از قبیل ربا، غرر، قمار و ... نیست، قراردادی صحیح و شرعی تلقی

مشابهت آن با قرارداد آتی برای رهایی از بطلان بیع کالی به کالی، آن را در قالب عقد صلح و جعله طراحی می کند.

نعمتی (۱۳۸۴) نااطمینانی و مدیریت ریسک را کلیدی ترین مفهوم برای شناخت ماهیت آتی ها می داند. وی با توجه به این مسأله این نکته را تبیین می کند که کارکرد مدنظر از آتی ها را در قالب عقود معین نمی توان برآورده کرد؛ زیرا این عقود برای کارکردهای مشخص و تعریف شده ای طراحی شده اند؛ بنابراین آتی ها را عقدی مستحدث می توان تلقی کرد. وی با بررسی قواعد عمومی معاملات، این مسأله را طرح می کند که این نوع قراردادهای جدید، شرایط اصلی اعتبار قراردادها را در فقه امامیه دارند؛ بنابراین امکان به کارگیری این قراردادها در اقتصاد اسلامی وجود دارد.

پورطرقی (۱۳۸۶) به ماهیت قراردادهای آتی اشاره کرده است. او مدعی است الگوهای موجود در حقوق مدنی ایران و فقه شیعه که با این قرارداد قابل انطباق است، عبارت است از: شرط ابتدایی، وعده بیع و عقد بودن قرارداد آتی ها که اگر حالت اخیر را نیز واکاوی کنیم یا بیع کالی به کالی است یا در زمره بیع العربون خواهد بود و یا بیع الاستصناع. او سپس ادعا می کند که قرارداد آتی را ماهیت مستقلی نیز می توان در نظر گرفت که در این صورت، عقدی لازم، عهدی و تشریفاتی خواهد بود. او با اشاره به اصل آزادی اراده و نتایج آن در حقوق، به شرایط عمومی صحت قراردادها اشاره می کند و معتقد است اگر قرارداد آتی، این شروط را تأمین کند، عقد مستقلی در نظر گرفته می شود؛ سپس آثار حقوقی آن را از جنبه های مختلف

قراردادهای آتی قابل معامله در بازارهای بورس نفت و گاز را تأیید کرده است.

روش پژوهش

اولین قدم در فرایند استنباط احکام شرعی، موضوع‌شناسی است؛ زیرا اگر موضوع به درستی شناخته نشود، حکم مربوط به موضوع دیگری، به آن نسبت داده می‌شود. اشتباه در موضوع‌شناسی بیشتر از اشتباه در شناخت احکام رخ می‌دهد و موضوع‌شناسی غلط قطعاً حکم غلط به بار می‌آورد. فهم ماهیت قرارداد آتی به این دلیل که جزء ابزارهای جدید مالی و از پیچیده‌ترین این ابزارها است و در فضای اقتصاد سنتی هیچگونه مشابهی برای آن وجود ندارد، بسیار دشوار است.

با توجه به بررسی‌های نگارنده، همه تحلیل‌های فقهی انجام‌شده درباره قرارداد آتی، ضعف موضوع‌شناسی دارد. به نظر می‌رسد پژوهشگران پیش از محرز شدن ماهیت دقیق موضوع، به دنبال تحلیل فقهی آن بوده‌اند و در نتیجه، این معاملات را در معرض شبهاتی از قبیل بیع کالی به کالی و صوری بودن بیع قرارداده‌اند و بحث‌های مطولی در این مورد داشته‌اند؛ در حالی که اگر ماهیت واقعی موضوع تبیین شود، مسیر تحلیل فقهی آن به‌طور کلی متفاوت می‌شود و با فاصله زیادی از کنار اینگونه شبهات عبور می‌کند؛ اگرچه لازم می‌شود با عناوین فقهی دیگری محک زده شود.

روش تحلیل ماهیت قراردادی از منظر حقوق اسلامی با حقوق بسیاری از کشورهای غربی متفاوت است. در اسلام به جای آنکه بر کلمات مندرج شده در قراردادها تکیه شود، قصد و اراده دو طرف، مبنای تعیین ماهیت قرارداد قرار می‌گیرد (البته اراده‌ای که

می‌شود. عملیات به‌روزرسانی حساب‌ها نیز در این قرارداد به صورت شرط ضمن عقد وارد می‌شود.

معصومی‌نیا (۱۳۸۷) با ارائه تحلیل فقهی مفصل نتیجه‌گیری می‌کند که قراردادهای آتی را در قالب عقد صلح می‌توان مجاز دانست. وی معتقد است صلح دین به دین مشکلی ندارد؛ بنابراین صلح کالی به کالی نیز بدون اشکال است؛ پس با عنوان مصالحه‌نامه، قرارداد آتی را می‌توان اجرایی کرد.

پاک‌ذات (۱۳۸۹) بیان می‌کند در صورت تفکیک احکام ثابت و متغیر، با استفاده از روش‌های یقینی و تأییدشده شرع و استفاده از آن در فرایند استنباط، تغییراتی در ارزیابی قراردادهای آتی و اختیار معامله به وجود می‌آید؛ زیرا تمام معیارهای معرفی شده برای رد این قراردادها در ارزیابی‌های معمول، از احکام ثابت نیست و برخی از آنها متغیر است.

حاجیان (۱۳۹۰) ضمن شناختن ماهیت مستقل برای قراردادهای آتی حوزه نفت و گاز، ذیل اصل آزادی قراردادی به عنوان قراردادی لازم، عهدی و تشریفاتی، به چالش‌های پیش روی این قراردادها پاسخ داده است و از آن، صحت و اعتبار این معاملات را نتیجه گرفته است. مهم‌ترین این چالش‌ها درباره قماری بودن، غیرمقدورالتسلیم بودن، غرری بودن و کالی به کالی بودن اینگونه قراردادها است. وی شبهه قمار را با عنایت به نبود مؤلفه‌های یک معامله قمار در قرارداد آتی، شبهه نبود قدرت بر تسلیم را با توجه به وصف تضمین‌شده بودن معامله آتی، شبهه غرری بودن را با در نظر گرفتن نبود خطر نکول و تنازع ناشی از آن در معاملات آتی و شبهه کالی به کالی بودن را با عنایت به شمول نداشتن حکمت بطلان بیع کالی به کالی و نیز ماهیت قرارداد آتی بر طرف و صحت و اعتبار

بازار نقدی، فرایند تسهیل شده تری دارد؛ زیرا بازارهای آتی نفت اساساً با هدف پوشش ریسک فعالیت‌های اقتصادی نه با هدف تحویل نفت راه‌اندازی می‌شود. در جدول زیر با محاسبه اندکی نشان داده شده است امکان تحویل در قراردادهای آتی بسیار دور از ذهن است. از آنجا که نفت خام برنت یک نفت مخلوط است، به‌طور معمول، آمار رسمی از میزان تولید آن منتشر نمی‌شود؛ بنابراین برای به‌دست آوردن میزان تولید نفت خام مخلوط برنت، تولید میدان نینیان با تولید میدان برنت باید جمع شود. آمار تولید میدان‌های دریای شمال را دپارتمان انرژی و تغییرات آب و هوای نهاد دولتی^۱ منتشر می‌کند [۲۵]. تعداد قراردادهای آتی برنت نیز از مقادیر ماهانه تاریخی مرکز گزارش بورس بین قاره‌ای^۲ استخراج شده است [۱۶].^۴

به‌گونه‌ای ابراز شده باشد). قاعده مسلم فقهی «العقود تابعة للمقصود» بر کل باب معاملات حاکم است؛ در نتیجه، ملاک برای تحلیل فقهی معاملات آتی، نباید الفاظی باشد که در قراردادهای آماده‌شده برای بورس‌های دنیا گنجانده شده است؛ بلکه این قراردادها بر مبنای اراده واقعی معامله‌گران در بورس‌های دنیا باید تحلیل شود.

تحویل‌ندادن دارایی در قراردادهای آتی نفت

در حال حاضر، قراردادهای آتی که در بورس‌های مختلف جهان معامله می‌شود، با وجود شباهت‌های بسیار، با توجه به نوع دارایی پایه آنها، تفاوت‌های زیادی نیز دارد. یکی از مهم‌ترین این تمایزها، نسبت تعداد قراردادهایی که به مرحله تحویل می‌رسند به حجم کل معاملات است. قراردادهای آتی برای برخی دارایی‌ها به‌طور عمده، با هدف تحویل دارایی پایه منعقد می‌شود؛ به‌عنوان نمونه بارز، بازارهای آتی ارز را می‌توان مطرح کرد که بیشتر معاملات آنها به تحویل ارز منجر می‌شود. در مقابل، قراردادهایی قرار دارند که تحویل در آنها به ندرت اتفاق می‌افتد. مثال بارز این نوع بازارها، بازارهای آتی نفت است.

در بازار آتی نفت، فرایند تحویل نسبت به حجم کل معاملات به ندرت اتفاق می‌افتد. علت پرهیز از تحویل این است که تحویل دارایی براساس آنچه در قرارداد آمده است، غالباً هزینه حمل یا مشکلات فنی در بردارد. (به همین دلیل درباره آتی ارز به دلیل نبود مشکلات یادشده، در موارد زیادی به تحویل منجر می‌شود)؛ اما تحویل نفت در بازار آتی، فرایند پیچیده و هزینه‌های خاص خود را دارد و اصولاً معامله نفت در

^۱ Brent blend

^۲ Oil & Gas Authority (OGA)

^۳ ICE

^۴ REPORT CENTER- HISTORICAL MONTHLY VOLUMES

جدول (۱) مقایسه نسبت معاملات کاغذی برنت در ICE و تولید فیزیکی برنت

نسبت تولید فیزیکی برنت به معاملات کاغذی برنت در ICE	نسبت معاملات کاغذی برنت در ICE به تولید فیزیکی برنت	قراردادهای آتی برنت در ICE (۱۰۰۰ بشکه در سال)	تولید نفت خام مخلوط برنت (بشکه در سال)	تولید از میدان نینیان (بشکه در سال)	تولید از میدان برنت (بشکه در سال)	
۰,۰۰۰۰۶۶	۱۵۱۲۲	۳۰,۴۱۲,۰۲۷	۲,۰۱۱,۰۸۷	۱,۴۰۸,۲۹۰	۶۰۲,۷۹۷	۲۰۰۵
۰,۰۰۰۰۴۶	۲۱۷۶۷	۴۴,۳۴۶,۰۷۷	۲,۰۳۷,۳۰۱	۱,۵۳۴,۸۶۶	۵۰۲,۴۳۵	۲۰۰۶
۰,۰۰۰۰۳۰	۳۳۴۴۷	۵۹,۷۲۸,۹۵۳	۱,۷۸۵,۸۰۱	۱,۳۶۷,۲۱۹	۴۱۸,۵۸۲	۲۰۰۷
۰,۰۰۰۰۲۴	۴۲۱۹۷	۶۸,۳۶۸,۲۰۸	۱,۶۲۰,۲۳۱	۱,۲۰۴,۳۷۴	۴۱۵,۸۵۷	۲۰۰۸
۰,۰۰۰۰۱۸	۵۵۷۸۰	۷۴,۱۳۸,۳۲۰	۱,۳۲۹,۱۱۱	۹۴۰,۴۹۴	۳۸۸,۶۱۷	۲۰۰۹
۰,۰۰۰۰۱۲	۸۱۲۷۹	۱۰۰,۰۵۱,۶۶۹	۱,۲۳۰,۹۷۱	۸۴۶,۲۳۳	۳۸۴,۷۳۸	۲۰۱۰
۰,۰۰۰۰۰۸	۱۳۰۰۲۰	۱۳۲,۰۵۶,۴۴۸	۱,۰۱۵,۶۶۳	۸۹۷,۶۱۸	۱۱۸,۰۴۵	۲۰۱۱
۰,۰۰۰۰۰۵	۲۰۸۳۸۲	۱۴۷,۴۲۲,۲۰۷	۷۰۷,۴۶۱	۶۴۷,۷۱۲	۵۹,۷۴۹	۲۰۱۲
۰,۰۰۰۰۰۴	۲۲۲۸۵۵	۱۵۹,۱۰۰,۶۲۵	۷۱۳,۹۱۹	۶۳۳,۴۵۴	۸۰,۴۶۵	۲۰۱۳
۰,۰۰۰۰۰۵	۲۱۳۸۳۲	۱۶۰,۴۱۸,۲۳۹	۷۵۰,۲۰۶	۶۷۶,۶۲۷	۷۳,۵۷۹	۲۰۱۴
۰,۰۰۰۰۰۳	۳۰۷۱۳۹	۱۸۳,۸۵۲,۸۵۶	۵۹۸,۵۹۹	۵۷۷,۱۱۷	۲۱,۴۸۲	۲۰۱۵

تعداد موقعیت‌های تعهدی بازنیز بسیار زیاد است. همانگونه که قبلاً اشاره شد، میانگین تعداد موقعیت‌های تعهدی باز قراردادهای آتی نفت خام دبلیو تی آی در بورس نایمکس در روزهای مختلف چند برابر کل تولید نفت دنیا است.

این واقعیت که حجم معاملات آتی نفت خام برنت دریای شمال چند صد هزار برابر تولید نفت خام برنت است، به خوبی نشان می‌دهد بازارهای آتی نفت با هدف تحویل نفت راه‌اندازی نمی‌شوند؛ البته بیشتر قراردادهای آتی (برای دارایی‌های مختلف) در همین دسته دوم قرار می‌گیرد؛ یعنی تحویل دارایی در آنها

همانگونه که مشخص است، در حال حاضر، حجم معاملات آتی نفت خام برنت، بیشتر از ۳۰۰ هزار برابر کل تولید نفت خام برنت است. به همین روش، همین مطلب را برای تولید نفت خام «دبلیو تی آی» و قراردادهای آتی نفت خام دبلیو تی آی می‌توان نشان داد.

یک علت زیاد بودن تعداد قراردادهای کاغذی این است که موقعیت‌های تعهدی باز بورس چند دست معامله می‌شود و خریداران و فروشندگان جدید، جایگزین خریداران و فروشندگان قبلی می‌شوند؛ البته

عملیات به روزرسانی حساب‌ها که در فرم‌های قراردادی در حاشیه است، در اراده دو طرف قرارداد، رکن اصلی است. پوشش دهندگان ریسک و سفته‌بازان در این بازار فقط به دنبال کسب سود از عملیات به روزرسانی حساب‌ها هستند و خروج از بازار به روش تحویل برای آنها، امری عارضی و حاشیه‌ای و در بسیاری موارد نامطلوب است. توضیح مطلب اینکه، قرارداد آتی، ابزاری است با چند جزء که این اجزاء در مجموع یک سیستم منسجم را تشکیل می‌دهد که هدف خاصی را دنبال می‌کند. هدف نهایی این ابزار، پوشش ریسک نوسان‌های قیمت برای کسانی است که در معرض این ریسک هستند (پوشش دهندگان ریسک). اجزای اصلی این ابزار عبارت است از: ۱- وجه تضمین، ۲- عملیات به روز رسانی حساب‌ها، ۳- تحویل دارایی.

در سال‌هایی که از این ابزار استفاده شده است، همواره به کمک این اجزاء، هدف نهایی محقق شده است؛ اما نکته مهم این است که اگرچه این اجزاء همچنان هدف پوشش ریسک قیمت را محقق می‌کنند، به مرور زمان، کارکرد و رابطه آنها با هم تغییر کرده است. تک‌تک این اجزاء خواه در گذشته و خواه در حال، نقش مهمی در قرارداد آتی داشته‌اند؛ اما نقش آنها در حال حاضر، تفاوت بسیاری با کارکرد آنها در زمان پیدایش قرارداد آتی دارد. این سیستم فقط شباهت ظاهری و اسمی با سیستم اولیه دارد؛ ولی همچنان اجزای آن در کنار هم یک سیستم منسجم را تشکیل می‌دهند که همان هدف اولیه یعنی پوشش ریسک نوسان‌های قیمت را برآورده می‌کند؛ البته منظور این نیست که اجزای قرارداد آتی دچار تغییر ماهوی و ذاتی شده باشند؛ بلکه ماهیت این اجزاء از نگاه معامله‌گران یعنی نوع ارتباط معامله‌گران با این اجزاء و روش استفاده

به ندرت اتفاق می‌افتد. حال (۲۰۱۴) بیان می‌کند: «بیشتر قراردادهای آتی به تحویل نمی‌رسند. دلیل این اتفاق این است که بیشتر معامله‌کنندگان قبل از زمان تحویل مقرر شده در قرارداد، موقعیت خود را می‌بندند. بستن یک موقعیت به معنی وارد شدن در موقعیت مخالف موقعیت قبلی است... تحویل چنان غیر معمول است که گاهی معامله‌گران، چگونگی آن را از یاد می‌برند؛ با وجود این، ما قسمتی از این فصل را به مراتب تحویل در قراردادهای آتی اختصاص می‌دهیم. این کار به علت این است که احتمال تحویل نهایی باعث یکی شدن قیمت آتی و قیمت نقد می‌شود».

بررسی فقهی قراردادهای آتی نفت

قراردادهای آتی نوع کاملاً جدیدی از قرارداد است که با نیازهای اقتصادی روزگار معاصر به وجود آمده است (عقد مستحدثه) و مقصود اصلی آنها پوشش ریسک‌های قیمتی با دریافت و پرداخت مابه‌التفاوت‌های ناشی از عملیات به روزرسانی حساب‌ها است. در بیشتر بورس‌های دنیا، قرارداد آتی نفت با عنوان خرید و فروش بسته می‌شود و عملیات به روزرسانی حساب‌ها که اتاق پایپای انجام می‌دهد، به عنوان ضمانت اجرای خرید و فروش گنجانده می‌شود؛ اما این فرم قراردادی، میراثی است که از روزهای نخست ابداع قراردادهای آتی بر جای مانده است و قطعاً اگر اکنون تصمیم گرفته شود فرم قراردادی جدیدی برای این معاملات تهیه شود، دیگر نقش خرید و فروش در آن، پر رنگ نیست؛ همانگونه که در بین حقوق دانان غربی، مباحث و مناقشات فراوانی درباره ماهیت قرارداد آتی وجود دارد. در بین معامله‌گران به ندرت کسی با قصد خرید و فروش (که لازمه قریب آن تحویل دارایی است) وارد بازار می‌شود. برعکس،

معامله‌گران از آنها برای رسیدن به اهدافشان تغییر کرده است!

قراردادهای آتی در آغاز پیدایش بر محصولات کشاورزی تعریف شد و عنصر تحویل دارایی در سررسید در بیشتر معاملات نقش اساسی داشت. پوشش دهندگان ریسک در این قراردادها از یکسو، کشاورزان یا دلالاتی بودند که در بازار آتی، موقعیت تعهدی فروش اتخاذ می‌کردند تا از کاهش احتمالی قیمت‌ها در آینده مصون بمانند و از سوی دیگر، خریداران واقعی محصولات کشاورزی بودند که در این بازار، موقعیت تعهدی خرید اتخاذ می‌کردند تا از افزایش احتمالی قیمت‌ها در آینده مصون بمانند. هر دو گروه معامله‌گران در این بازارها، پوشش ریسک را با تحویل دارایی در سررسید دنبال می‌کردند و برای جلوگیری از نکول دو طرف در سررسید اتاق پایاپای، مبلغ وجه تضمین را از هر دو طرف اخذ می‌کرد. برای تضمین تعهدات دو طرف، دو راه پیش روی اتاق پایاپای است. راه اول، گرفتن وثیقه‌های سنگین از دو طرف است که به کاهش جذابیت این قراردادها برای معامله‌گران منجر می‌شود، استقبال از این ابزار را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود کارایی این ابزار با شکست مواجه شود. راه دوم، استفاده از ساز و کار به‌روزرسانی حساب‌ها برای تعدیل روزانه وجه تضمین است. با این روش، اتاق پایاپای، وجه تضمین به مراتب کمتری را از دو طرف اخذ می‌کند. بدین صورت، سه رکن تحویل دارایی، وجه تضمین و عملیات

به‌روزرسانی حساب‌ها مانند حلقه‌های یک زنجیر منسجم عمل می‌کند؛ البته سفته‌بازان نیز که اصلاً به دنبال تحویل کالا نبودند، در این بازار معامله می‌کردند و به دنبال کسب سود ناشی از عملیات به‌روزرسانی حساب‌ها به سبب تغییرات قیمت بودند. این معامله‌گران یا پیش از سررسید به بستن موقعیت تعهدی خود اقدام می‌کردند و یا در سررسید با تصفیه نقدی از بازار خارج می‌شدند؛ اما به مرور زمان، پوشش دهندگان ریسک متوجه شدند با توجه به سیستمی که برای قرارداد آتی طراحی شده است، برای پوشش ریسک قیمت هیچ نیازی به تحویل دارایی در «بازار کاغذی» آتی نیست؛ بلکه با اتکا بر ساز و کار به‌روزرسانی حساب‌ها و تعدیل وجه تضمین به صورت روزانه، زیان احتمالی ناشی از معاملات نقدی در «بازار فیزیکی» را با کسب سود در بازار آتی می‌توان جبران کرد و قبل از رسیدن موعد تحویل با بستن موقعیت (با اتخاذ موقعیت تعهدی جدید معکوس) یا تصفیه نقدی از بازار کاغذی خارج شد؛ به عبارت بهتر، آنها دریافتند معامله واقعی را در آینده در بازار نقد با طرف حساب‌های سابق خود می‌توانند انجام دهند و در بازار آتی فقط تا نزدیک به سررسید باقی بمانند و موقعیت تعهدی خود را ببندند و یا تا سررسید بمانند و در نهایت، با تصفیه نقدی از بازار خارج شوند. پوشش ریسک نوسان‌های قیمت نیز با این روش به راحتی اتفاق می‌افتد؛ مثلاً شخصی که قصد فروش دارایی در بازار نقد را در آینده دارد، در بازار آتی نیز موقعیت تعهدی فروش را می‌تواند اتخاذ کند. با کاهش قیمت نقد تا سررسید، قیمت آتی نیز کاهش می‌یابد. بدین ترتیب، وی در بازار نقد زیان می‌کند و تقریباً به همان اندازه در بازار آتی سود می‌برد و با

۱. گفتنی است در فرم‌های قراردادی آماده‌شده در بورس‌های دنیا و در کتب آموزشی، همچنان تعریف قرارداد آتی مطابق با ذهنیت سنتی و قدیمی معامله‌گران ذکر می‌شود. اگرچه با توضیحات تکمیلی که در کتاب‌ها ذکر می‌شود، به وضوح می‌توان دریافت در حال حاضر چنین چیزی وجود ندارد و این تعریف صرفاً مقدمه‌ای برای معرفی قرارداد آتی است؛ بنابراین پابندی و دلستگی بیش از حد به این تعریف‌ها، ما را از حقیقت اصلی این قرارداد دور خواهد کرد.

می‌کند و در نهایت، قیمت نقد نفت در سررسید در سطح مدّ نظر وی تضمین و بیمه شده است.

بدین ترتیب معلوم می‌شود کارکرد ارکان قرارداد آتی (یعنی تحویل دارایی، وجه تضمین و عملیات به‌روزرسانی حساب‌ها) کاملاً تغییر می‌کند؛ اما در نهایت، مجموعه سیستم همچنان هدف پوشش ریسک نوسان‌های قیمت را برآورده می‌کند. علاوه بر این، مشخص می‌شود رکن اساسی قرارداد آتی از نگاه معامله‌گران، همان عملیات به‌روزرسانی حساب‌ها است. خرید و فروش و تحویل دارایی در بازار آتی در نگاه معامله‌گران این بازار کاملاً در حاشیه و دور از قصد آنان است.

به همین دلیل گفتنی است قرارداد آتی نفت، قراردادی برای پوشش ریسک تغییرات قیمت است؛ یعنی دو طرف که در معرض ریسک‌های متضاد هم هستند (یکی ریسک افزایش قیمت و دیگری ریسک کاهش قیمت) در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و ریسک یکدیگر را خنثی می‌کنند.

از منظر فقهی، این قراردادها عقدی مستحدثه است و هیچ یک از عقود شرعی (و حتی غیر شرعی) متعارف، عین و یا حتی شبیه آنها نیستند. مطابق قاعده فقهی «العقود تابعه للقصود»^۱ مضمون اصلی قرارداد آتی این است که یک معامله‌گر متعهد می‌شود اگر قیمت آتی در پایان روز افزایش یافت، دقیقاً به میزان افزایش قیمت به معامله‌گر دیگر بپردازد. معامله‌گر دوم هم متعهد می‌شود اگر قیمت آتی در پایان روز کاهش یافت، دقیقاً به میزان کاهش قیمت به معامله‌گر اول بپردازد و تعهد می‌کنند که به همین روش تا سررسید هر روز به اندازه تغییر قیمت نسبت به روز قبل با هم

افزایش قیمت نقد تا سررسید، قیمت آتی نیز افزایش می‌یابد. در این حالت، وی در بازار آتی زیان و تقریباً به همان اندازه در بازار نقد سود می‌کند. در نهایت، در هر دو حالت، یک قیمت مشخص برای او تضمین می‌شود. دقیقاً مشابه همین حالت برای شخصی اتفاق می‌افتد که قصد خرید دارایی در بازار نقد را در آینده دارد؛ به‌عنوان مثال، شخصی را در نظر بگیرید که می‌خواهد شش‌ماه دیگر، دو هزار بشکه نفت خام بخرد و نگران افزایش قیمت است. این شخص با ورود به بازار آتی نفت خام، دو قرارداد به سررسید شش‌ماه آینده می‌تواند خریداری کند.

این قرارداد اصلاً به این معنا نیست که شخص، دو هزار بشکه نفت خام را به سررسید شش‌ماه دیگر، با قیمتی خریداری می‌کند که اکنون بر آن توافق کرده است تا در سررسید به جای تحویل از بازار نقدی با قیمت نامعلوم، نفت را در بازار آتی با قیمت توافقی اولیه تحویل بگیرد و اینگونه ریسک خود را پوشش دهد.

در این مثال، شخصی که در بازار آتی، موقعیت تعهدی خرید اتخاذ کرده است تا ریسک معامله نقدی خود را پوشش دهد، فقط در پی آن است که در صورت فراترفتن قیمت نقد نفت در سررسید از حد مدّ نظر، با عملیات به‌روزرسانی حساب‌ها، تقریباً به میزان افزایش قیمت به موجودی حساب عملیاتی‌اش افزوده شود و با برداشت این وجه، افزایش قیمت خرید نقدی را در بازار فیزیکی جبران کند و به احتمال زیاد، پیش از ورود به دوره تحویل، از بازار آتی خارج می‌شود؛ البته با کمتر شدن قیمت نقد نفت در سررسید از حد مدّ نظر، این معامله‌گر در بازار نقد سود کرده است و در مقابل، تقریباً به همان میزان در بازار آتی زیان

۱. یعنی براساس آنچه از ابتدا در قصد و اراده دو طرف قرارداد، نقش اصلی دارد.

برای گریز از این شبهات پیشنهادهای مختلفی ارائه شده است؛ مثلاً اینکه قرارداد در قالب صلح منعقد شود که شبهات باب بیع بر آن وارد نیست و یا اینکه قرارداد در قالب تعهد به بیع منعقد شود؛ یعنی به جای آنکه دو طرف هنگام انعقاد قرارداد، خرید و فروشی انجام دهند که تحویل ثمن و مثنی در آینده انجام شود، قرارداد به گونه‌ای تنظیم شود که دو طرف متعهد شوند بیع را در سررسید انجام دهند و همان موقع تحویل انجام شود؛ سپس مباحثی در این مورد مطرح شده است که آیا تعهد به بیع، خود یک قرارداد است یا اینکه صرفاً یک شرط ابتدایی (یعنی شرط غیر مرتبط با عقد) است و نتیجه‌گیری شده است که تعهد در مقابل تعهد، یک قالب قراردادی جدید است که مصداقی برای منهیات باب معاملات از قبیل ربا، غرر، قمار و ... نیست و شرایط عمومی صحت قراردادها را دارد؛ بنابراین با تمسک به عموماًتی چون «أوفوا بالعقود» استنباط می‌شود این قرارداد، یک عقد صحیح و شرعی و عقدی لازم است. عملیات به‌روزرسانی حساب‌ها نیز در این قرارداد به‌صورت شرط ضمن عقد وارد می‌شود. در مصوبه هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار [۶] نیز آثار چنین تحلیلی در تعریف قرارداد آتی دیده می‌شود:

«قرارداد آتی، قراردادی است که فروشنده براساس آن متعهد می‌شود در سررسید معین، مقدار معینی از کالای مشخص را به قیمتی بفروشد که اکنون تعیین می‌کند و درمقابل، طرف دیگر قرارداد متعهد می‌شود آن کالا را با آن مشخصات خریداری کند و برای جلوگیری از امتناع دو طرف از انجام قرارداد، دو طرف به‌صورت شرط ضمن عقد متعهد می‌شوند مبلغی را به‌عنوان وجه تضمین نزد اتاق پایاپای بگذارند و متناسب با تغییرات قیمت آتی، وجه تضمین را تعدیل

تصفیه کنند؛ البته وکالت و تضمین انجام این عملیات از جانب هر دو طرف با واسطه کارگزاری بر عهده اتاق پایاپای است.

نتیجه مهم تحلیل قراردادهای آتی نفت در قالب تعهد به انتقال روزانه وجه تضمین شامل این موارد است:

۱- ممنوعات فقهی که در باب بیع وارد شده است، از اساس با این معاملات برخورد نمی‌کند؛ مثلاً شبهه بیع کالی به کالی (مؤجل به مؤجل) در معاملات سلف قابل بررسی است؛ اما درباره معاملات آتی حتی مطرح کردن آن نیز دورشدن از مسیر پژوهش است؛

۲- این قالب قراردادی با واقعیت معاملات در بازار تطابق کامل دارد و صرفاً یک قرارداد صوری نیست؛

۳- نیازی به دخل و تصرف در ساز و کار اجرایی این قراردادها برای شرعی‌سازی وجود ندارد؛

۴- این فرم قراردادی حتی نوع کاملاً کاغذی قراردادهای آتی یعنی قراردادهای آتی مالی را نیز شرعی می‌کند. در این نوع از قراردادهای آتی براساس قرارداد حتی امکان تحویل نیز وجود ندارد؛

۵- تمرکز بر چنین قالبی، راه را برای فهم پیچیدگی‌های قراردادهای آتی به‌ویژه، برای کسانی که از رشته حقوق وارد این فضا می‌شوند، بسیار هموارتر می‌کند؛

۶- از نظر قانونگذاری و پیگیری دعاوی حقوقی، این قالب قراردادی، فضا را بسیار شفاف‌تر می‌کند.

نقد بررسی‌های فقهی پیشین

در بسیاری از بررسی‌های فقهی که درباره معاملات آتی انجام شده است، این نتیجه به دست آمده است که قالب حقوقی این قراردادها، بیع است؛ بنابراین مشکل بیع کالی به کالی و نبود قدرت بر تسلیم دارد و سرانجام

معامله گران می‌خواهند قبل از سررسید از بازار خارج شوند، چنین معاملاتی صوری و باطل نیست؟
 ۲- این ایراد همان مشکل موضوع شناسی اشتباه است. به طور کلی، تحلیل چنین معاملاتی در قالب بیع و حتی تعهد به بیع اشتباه است. بیع و تحویل در حاشیه این معاملات قرار می‌گیرد و فقط برای کسانی اتفاق می‌افتد که به سررسید معاملات می‌رسند؛ البته همین گروه هم غالباً با تصفیه نقدی از بازار خارج می‌شوند و بیعی رخ نمی‌دهد. آنچه از ابتدا در قصد و اراده دو طرف، نقش اصلی دارد، همان عملیات به روزرسانی حساب‌ها است که آن را به صورت قرارداد جدیدی باید قالب بندی کرد.

همانگونه که ذکر شد، قرارداد آتی نفت هیچگونه تشابهی با عقد بیع ندارد. علت تمرکز ما بر عقد بیع این است که مطالعات پیشین، همگی قرارداد آتی را در یکی از سه قالب: «بیع»، «تعهد به بیع» و «صلح» (با محتوای بیع) تحلیل کرده‌اند. واضح است پژوهشگران به جز بیع، قالب قراردادی متعارف دیگری نیافته‌اند که به ماهیت قرارداد آتی نزدیک باشد (همانگونه که چنین قالبی وجود ندارد)؛ بنابراین از آنجا که تطبیق قرارداد آتی نفت بر عقود متعارف فقهی و به ویژه، «عقد بیع»، امکان پذیر نیست، گفتنی است قرارداد آتی نفت، یک عقد مستحدثه است.

رد توقیفی بودن قراردادها در فقه

در یک دسته بندی کلی، رویکرد اندیشمندان شیعی را در ارزیابی عقود مستحدثه به دو گروه معتقد به آزادی قراردادها و معتقد به توقیفی بودن قراردادها می‌توان تقسیم کرد. گروه اول با توجه به رویکرد امضایی اسلام نسبت به معاملات در صدر اسلام معتقدند هر عقدی را به صورت مستقل می‌توان تحلیل

کنند و اتاق پایاپای از طرف آنان و کالت دارد متناسب با تغییرات، بخشی از وجه تضمین هر یک از دو طرف را به عنوان اباحه تصرف در اختیار دیگری قرار دهد و او حق استفاده از آن را خواهد داشت تا در سررسید با هم تصفیه کنند».

براساس چنین تحلیلی، از آنجا که یکی از شرایط متعاقدين در عقد، اراده واقعی دو طرف نسبت به مفاد عقد است، لازم است دو طرف، هنگام عقد، مفاد تعهد یعنی همان بیع و تملیک در سررسید را قصد کرده باشند. علاوه بر این، از آنجا که یکی از شرایط دو عوض در عقد، قدرت بر تسلیم است، لازم است تحویل دارایی پایه موضوع قرارداد آتی در بازار ممکن باشد؛ به عبارت دیگر، برای کالاهایی که امکان تهیه آنها از بازار نقدی در سررسید به هیچ وجه برای معامله گران وجود ندارد، قطعاً قدرت بر تسلیم و قصد اجرای مفاد قرارداد از ابتدا وجود ندارد؛ بنابراین معامله صوری و باطل و هر در آمدی که اینگونه به دست آید، تصرف در آن حرام است؛ زیرا مال غیر است.

از آنجا که براساس ساز و کارهای فروش نفت در شرکت ملی نفت، در حال حاضر، افراد عادی امکان خرید نفت ایران در بازار را ندارند، سازمان بورس، معاملات آتی نفت را در بورس انرژی نمی‌تواند راه اندازی کند. این در حالی است که معاملات آتی سکه و زیره در بورس کالا وجود دارد؛ زیرا امکان تحویل آنها وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد چنین تحلیلی دو ایراد دارد؛ یکی بنایی و یکی مبنایی:

۱- آیا صرف ممکن بودن تحویل کالایی به لحاظ شرایط بازار (مثلاً درباره معاملات آتی سکه) برای صوری نبودن معامله کافی است؛ به عبارت دیگر، آیا وقتی بر کسی پوشیده نیست که بیشتر معاملات آتی بدون قصد بیع و تملیک و تحویل آغاز می‌شود و بیشتر

شود. روش تحلیل فقهی ما در این پژوهش بر مبنای اصل آزادی قراردادی است و از آنجا که این اصل، مطلوب بسیاری از فقهای معاصر است و در ماده ۱۰ قانون مدنی نیز پذیرفته شده است، از اطالۀ کلام و آوردن دلایل متعدد برای رد مبنای توقیفی بودن عقود پرهیز می‌کنیم. گفتنی است مواد قانون مدنی به‌طور عمده، براساس نظر مشهور فقها تدوین شده است.

شرایط عقد

پس از اثبات مستحده بودن این عقد، در این قسمت باید ارکان این قالب قراردادی جدید مشخص و شرایط عمومی صحت قراردادها^۱ درباره آن بررسی شود. آیت‌الله حائری برای تعریف عقد در فقه شیعی، ابتدا تعریف آیت‌الله خوئی را از کتاب محاضرات وی بدینگونه نقل می‌کند: «شد أحد الالتزامین و عقده بالآخر» و بیان می‌کند که این تعریف در بطن خود، فرض وجود ایجاب و قبول را نیز دارد؛ سپس ایرادی به این تعریف وارد می‌کند و آن این است که مفاد عقد همیشه التزام نیست؛ مثلاً مفاد عقد بیع «انتقال مالکیت» است و نه «التزام به انتقال مالکیت». وی معتقد است تعریف عقد به التزام، بیشتر شبیه تعریف عقد در حقوق غربی است. در نهایت، وی تعریف محقق اصفهانی (در تعلیقه بر مکاسب و در کتاب اجاره) را بر تعریف آقای خوئی ترجیح می‌دهد. محقق اصفهانی معتقد است عقد عبارت است از: «القرار المرتبط بقرار آخر» [۱۱]. از تفاوت جزئی بین این دو تعریف که بگذریم، هر دو در بیان امری، مشترک هستند و آن این است که عقد، امری است که تحقق آن به دو چیز احتیاج دارد که باید در مقابل هم قرار بگیرند. آن دو چیز، خواه التزام یا

فقهی کرد؛ بنابراین عقود مستحده اگر با شرایط عمومی صحت قراردادها تطبیق داشته باشد و مصداق منهیات ابواب مختلف نیز نباشد، اسلام آن را تأیید می‌کند و لازم نیست با عناوین عقود همخوانی داشته باشد که احکامشان در اسلام بیان شده است. در مقابل، گروه دیگر معتقدند عناوین عقود در اسلام توقیفی است و باید عقود مستحده را ناگزیر در قالب یک یا چند عقد از عقود متعارف زمان شارع بگنجانیم و هر قراردادی که خارج از عناوین اعلام شده و معین - که احکامشان بیان شده است - صورت‌بندی شود، غیراسلامی است و باید از آن دوری کرد.

دلیلی که گروه دوم بر آن تأکید می‌کند، غیر از دلایل جاودانگی شریعت و بیان تمام احکام ضروری بشریت در زمان پیغمبر خاتم، بر این نکته استوار است که نیازهای مالی بشر در انجام معاملات یا معامله اعیان است یا منافع و یا معامله خدمت که حالت‌های مختلف این مبادلات در فقه به روشنی بیان شده است و دیگر به باب جدیدی نیاز نیست. درحقیقت، تمام قراردادهای جدید، صور خاصی از همان قراردادهای سابق است و با واکاوی آنها و یا ترکیب چند عقد و ایقاع به همین نتیجه می‌توان رسید. گروهی از ایشان، عقد صلح را که یکی از ابواب فقه است، منعطف‌ترین عقد شاهد مطرح می‌کنند و معتقدند هر قراردادی را که حتی در چارچوب عقود معین نتوان صورت‌بندی کرد، با استفاده از فراخی عقد صلح به راحتی می‌توان اجرا کرد؛ بنابراین قراردادهای جدید حداکثر صورت جدیدی از عقد صلح است.

این مبحث در کتاب‌های فقهی ذیل عنوان «توقیفیة العقود» و در کتاب‌های حقوقی با عنوان «اصل حاکمیت اراده در قراردادها» بررسی می‌شود و دلایل متعددی همگام یا بر ضد هر یک از دو مبنا شمرده می-

۱. ماده ۱۰ قانون مدنی: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.

در کتاب‌های فقهی، بحث‌های مفصلی پیرامون اینکه آیا در صحت عقد، لفظ شرط است یا نه و اینکه آیا معاطه عقد است یا خیر انجام شده است. هر چند فقهای قدیم تنها مبرز عقد را الفاظ می‌دانستند، در بین فقهای معاصر، کمتر کسی این عقیده را دارد. آنچه مهم است ابراز اراده است. اطلاقات عقود، فرض ابراز نکردن اراده را در بر نمی‌گیرد و هیچ اثر قانونی بر اراده باطنی مترتب نمی‌شود؛ بلکه آنچه مؤثر است، اراده ظاهری است؛ یعنی اراده‌ای که به گونه‌ای ابراز شده باشد [۱۱]؛ بنابراین از بین شروط بالا، آنچه را مختص لفظ است، کنار می‌گذاریم. سایر شرایط مانند موالات و مطابقت ایجاب و قبول نیز به وضوح در قرارداد آتی به شکل درستی برقرار است. تنها موضوعی که در باره قرارداد آتی اهمیت دارد، این است که مفاد ایجاب و قبول این عقد مستحدثه را تعیین کنیم. ایجاب و قبول در این عقد هر دو «انشاء تعهد» هستند و هر دو عبارتند از: تعهد به پرداخت روزانه مبلغی به طرف مقابل، به اندازه تغییر قیمت آتی نسبت به روز قبل تا روز سررسید قرارداد.

شرط‌های متعاقدین در کتاب بیع از مکاسب شیخ انصاری پنج مورد است: بلوغ، قصد مدلول عقد، اختیار، اذن مولی (اگر عاقد عبد باشد، مالک یا مأذون بودن متعاقدین از مالک یا از شارع). از بین این موارد، تنها «قصد مدلول عقد» درباره قرارداد آتی جای بحث دارد. اهمیت این شرط تا حدی است که در مباحث فقه‌العقود جدید و در کتاب‌های حقوقی، خودش به تنهایی اولین رکن عقد محسوب می‌شود. این شرط، اهمیت خود را در قاعده فقهی «العقود تابعه للقصد» نیز که در کل باب معاملات وجود دارد نیز به خوبی نمایان می‌کند. اینکه ما در بحث موضوع‌شناسی قراردادهای آتی نفت اصرار داشتیم ماهیت و مفاد قرارداد آتی نفت را به گونه‌ای تعیین کنیم

قرار و یا تعهد باشد، در فقه، ایجاب و قبول نامیده می‌شود. در این مورد، «ایقاع» که پیمان یک طرفی است، برخلاف عقد است.

در کتاب‌های فقهی مانند مکاسب شیخ انصاری، غالباً بحثی به نام ارکان عقد به طور کلی وجود ندارد. در این کتاب‌ها به طور معمول، فقط از شرایط صحت عقد بیع بحث می‌شود و آنها را در سه دسته کلی طبقه‌بندی می‌کنند: شروط صیغه (الفاظ عقد)، شروط متعاقدین و شروط عوضین.^۱ در برخی کتب فقهی معاصر و کتب حقوقی، شروط صیغه، خود به دو رکن اراده دو طرف نسبت به مضمون عقد و ابراز اراده با لفظ یا به هر نحو دیگری تقسیم می‌شود [۱۱] و [۱۹]. در این بخش، بحث مطابق همان تقسیم‌بندی سنتی ادامه می‌یابد (در خلال بحث، اشاراتی نیز به ترتیب نوین می‌کنیم) و بر شروطی تمرکز می‌شود که با قرارداد آتی ارتباط دارد. شیخ انصاری خصوصیات معتبر در الفاظ عقد را به سه گروه تقسیم می‌کند که هر یک شامل شرایطی است:

الف) خصوصیات معتبر در ماده لفظ: صراحت و استفاده نکردن از الفاظ کنایه، حقیقی بودن الفاظ، مشترک لفظی یا معنوی که همراه با قرینه حالیه نباشد؛ بلکه با قرینه لفظیه باشد، عربیت و صحیح خواندن صیغه؛

ب) خصوصیت معتبر در هیأت هر یک از ایجاب و قبول: ماضی بودن عقد و

ج) خصوصیات معتبر در هیأت ترکیبی ایجاب و قبول: تقدیم ایجاب بر قبول، موالات بین ایجاب و قبول، تنجیز، مطابقت ایجاب و قبول، صلاحیت دو طرف برای انشاء، هنگام انشای هر یک از آن دو.

۱. رجوع شود به: مکاسب شیخ انصاری، کتاب بیع

و بدین صورت، شرط قدرت بر تسلیم دو عوض به راحتی برقرار می‌شود.

نتایج و پیشنهادها

قرارداد آتی نفت در بورس‌های بزرگ دنیا به‌طور عمده، به تحویل دارایی منجر نمی‌شود و معامله‌گران به هیچ وجه با قصد تحویل و تملیک دارایی قرارداد نمی‌بندند. قرارداد آتی نفت برخلاف نتایج پژوهش‌های پیشین از سنخ بیع و تعهد به بیع نیست؛ بلکه صرفاً قراردادی برای پوشش ریسک تغییرات قیمت است؛ یعنی دو طرف که در معرض ریسک‌های متضاد هم هستند (یکی ریسک افزایش قیمت و دیگری ریسک کاهش قیمت) در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و ریسک یکدیگر را خنثی می‌کنند. بیشتر پژوهش‌های پیشین به دلیل ضعف در موضوع‌شناسی، تحلیل‌های فقهی اشتباه درباره این قرارداد ارائه داده‌اند. از منظر فقهی، هیچ یک از عقود شرعی (و حتی غیرشرعی) متعارف، عین و یا حتی شبیه این قراردادها نیست.

مطابق قاعده فقهی «العقود تابعه للقصد»، مضمون اصلی قرارداد آتی این است که یک معامله‌گر متعهد می‌شود با افزایش قیمت آتی در پایان روز، دقیقاً به میزان افزایش قیمت به معامله‌گر دیگر بپردازد. معامله‌گر دوم هم متعهد می‌شود با کاهش قیمت آتی در پایان روز، دقیقاً به میزان کاهش قیمت به معامله‌گر اول بپردازد و هر دو تعهد می‌کنند که به همین منوال تا سررسید هر روز به اندازه تغییر قیمت نسبت به روز قبل با هم تصفیه کنند؛ البته و کالت و تضمین انجام این عملیات از جانب هر دو طرف با واسطه کارگزاری بر عهده اتاق پایاپای است. در صورتی که از قالب پیشنهادی این پژوهش برای قراردادهای آتی نفت استفاده شود، ممنوعات فقهی که در باب بیع وارد شده

که مطابق قصد معامله‌گران بازار باشد، دقیقاً به دلیل اطمینان از تحقق همین شرط است. اگر قرارداد آتی را از سنخ بیع (یا تعهد به بیع) بدانیم، این شرط نقض می‌شود؛ زیرا متعاقدان در واقع، قصد و اراده انعقاد عقد بیع (یا تعهد به بیع) را ندارند؛ بلکه به دنبال تعدیل وجه تضمین ناشی از عملیات به‌روزرسانی حساب‌ها هستند.

شیخ انصاری در شرط‌های دو عوض نیز پنج مورد را ذکر می‌کند: مالیت داشتن، طلق بودن، قدرت بر تسلیم، علم به مقدار ثمن و علم به مقدار مثنی. در این قسمت ابتدا باید ماهیت دو عوض در قرارداد آتی مشخص شود و سپس شرط‌های مالیت و قدرت بر تسلیم درباره آن بررسی شود (سایر شرط‌ها به وضوح، محقق است)؛ مانند آنچه شهید مطهری (ره) در بحث بیمه معتقد است، در قرارداد آتی نیز دو عوض از سنخ «عین» نیستند؛ بلکه از سنخ «تعهد» هستند؛ تعهدی که برای طرف مقابل تأمین و اطمینان خاطر به وجود می‌آورد؛ البته در قرارداد آینده هر دو عوض از این سنخ هستند [۲۳]. این مسأله با شرط «مالیت داشتن» دو عوض تعارضی ندارد؛ زیرا این اطمینان خاطر برای محقق شدن ناگزیر است خود را در جابه‌جایی روزانه و جوه بین حساب دو طرف نشان دهد و این یعنی ارزش مالی دارد. از آنجا که یکی از شرایط دو عوض در عقد، «قدرت بر تسلیم» است، اگر قرارداد آتی را در قالب بیع و یا حتی تعهد به بیع تحلیل کنیم، لازم است تحویل دارایی پایه موضوع قرارداد آتی در بازار ممکن باشد؛ به عبارت دیگر، برای کالاهایی که امکان تهیه آنها از بازار نقدی در سررسید به هیچ وجه برای معامله‌گران وجود ندارد، قطعاً قدرت بر تسلیم نیز وجود نخواهد داشت؛ بنابراین معامله باطل است؛ اما با قالب قراردادی جدید، دو عوض به شکل دیگری در می‌آیند

- [8] Fahim, Kh. (2000). *Islamic Futures and their Markets, with Special Reference to their Role in Developing Rural Financial Market*, Jeddah, Saudi Arabia, Islamic Development Bank, Islamic Research Training Institute, Research Paper. No. 32.
- [9] Ghanimi fard, H & Aram Bnyar, M. (2005). Jurisprudential feasibility Study of establishing oil futures exchange in Islamic Republic of Iran, *Journal of Religion & Communications*, 25: (Especially in Islamic financial markets) 171–200. (in Persian)
- [10] Haeri, K. (2002). *Jurisprudence of Contracts*, Qom, majmaolfekr al-islami. (in Persian)
- [11] Hajeeian, M. M. (2011). *The Legal Status of Oil and Gas Futures Contracts*, Ph.D. thesis, Tehran, Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities. (in Persian)
- [12] Hosseini, M. (2007). *Jurisprudential and Economic Analysis of Derivatives, with Emphasis on Futures Contracts and Option Contracts*, Ph.D. thesis, Tehran, Imam Sadiq University, Faculty of Islamic studies & economic. (in Persian)
- [13] Hosseini Chaloshari, M. (1998). *The Feasibility Study of Designing Futures Contracts in Islamic Financial System*, M.A thesis, Tehran, Imam Sadiq University, Faculty of Islamic studies & management. (in Persian)
- [14] Hull, John C. (2014). *Options Futures and Other Derivatives*, 9th Edition, Prentice Hall.
- [15] ICE Futures Europe (www.theice.com), report center – historical monthly volumes.
- [16] Ismath Basha, O, *Derivative Instruments and Islamic Finance: Some Thoughts for a Reconsideration*, *International Journal of Islamic Financial Services*. 1(1).
- [17] Jurisprudential Committee of Securities & Exchange Organization (2007). *Detailed discussions and proceedings*, Securities & Exchange Organization's Website (<http://www.seo.ir>).
- [18] Katouzian, N. (2009). *General Principles of Contracts*, Tehran, Enteshar Company. (in Persian)
- [19] Obaidullah, M. (2005). *Islamic Financial Services*, Islamic Economics Research Center.
- [20] Ma'asoumi nia, Gh. (2008). *Derivatives; Jurisprudential and Economic Study*, Qom,

است، از اساس با این معاملات برخورد نمی‌کند؛ مثلاً شبهه بیع کالی به کالی (مؤجل به مؤجل) اگرچه در معاملات سلف قابل بررسی است، درباره معاملات آتی حتی مطرح کردن آن نیز دور شدن از مسیر پژوهش است.

دو عوض در قرارداد آتی نفت، از سنخ «عین» نیستند؛ بلکه از سنخ «تعهد» هستند؛ تعهدی که برای طرف مقابل، تأمین و اطمینان خاطر به وجود می‌آورد. قرارداد آتی نفت به عنوان یک عقد مستحدثه، شرایط عمومی صحت قراردادها را دارد.

References

- [1] The Holy Quran
- [2] Ansari, M. (1994). *Al-Makaseb al-Moharramah*, Qom, Majmaolfekr al-Islami. (in Persian)
- [3] Aram, M. (2003). *The Feasibility Study of the Establishment of Independent oil Futures Exchange in the Islamic Republic of Iran*, M.A thesis, Tehran, Imam Sadiq University, Faculty of Islamic studies & management. (in Persian)
- [4] Bayat, M. (2008). *Study of Deficiencies in Hedge Instruments (futures and options), Proposed Guidelines based on Sunni Jurisprudence and its Compatibility with the Comments of Some Shi'a Jurists*, M.A thesis, Tehran, Imam Sadiq University, Faculty of Islamic studies & management. (in Persian)
- [5] Board of Directors of Securities & Exchange Organization (2007). *Executive order of futures transactions on Iran Mercantile Exchange*, Adopted on 2007 and Modified on 2009 and 2012.
- [6] BotShekan, M. H. (1998). *The Recognition of Futures and Options Contracts and Providing a Model for Establishment of its Market in Iran*, Ph.D. thesis, University of Tehran, Faculty of Administrative Sciences and Business Administration. (in Persian)
- [7] Derakhshan, M. (2011). *Derivatives and Risk Management in the Oil Markets*, Tehren, Institute for International Energy Studies. (in Persian)

- Islamic Verdicts of Transactions, Case Study of Futures and Options in Capital Market*, M.A thesis, Tehran, Imam Sadiq University, Faculty of Islamic studies & economic. (in Persian)
- [26] Pour Toroghi, H. Y. (2007). *Futures Contract on the Mercantile Exchange*, M.A thesis, University of Qom, Faculty of Law. (in Persian)
- [27] Reza'ee, M. (2003). *Jurisprudence Study of derivatives*, Qom, Journal of Islamic Economics, 11: 35 – 48. (in Persian)
- [28] Saleh Abadi, A. (2002). *The Feasibility Study of Establishing Stock Futures Market for Listed Companies in Tehran Stock Exchange*, M.A thesis, Tehran, Imam Sadiq University, Faculty of Islamic studies & management. (in Persian)
- Islamic Research Institute for Culture and Thought. (in Persian)
- [21] Mohseni, F. (2013). *A Comparative Study of Jurisprudential Challenges in the Futures and Options Market on the Basis of the Ideas of Shia and Sunni Thinkers*, thesis, Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Humanities. (in Persian)
- [22] Motahari, M. (2007). *The Problem of Usury and Banking Together with Insurance*, Tehran, Sadra. (in Persian)
- [23] Ne'mati, M. (2005). *Futures Contract in Islamic Economics*, M.A thesis, Tehran, Imam Sadiq University, Faculty of Islamic studies & economic. (in Persian)
- [24] Oil & Gas Authority (OGA) - Energy Group - *UK Production Data Release* (<https://www.gov.uk/guidance/oil-and-gas-uk-field-data>).
- [25] Pakzat, S. M. (2011). *The Separation between Constant and Variable Elements of*